

مطالعه شاخص‌های توسعه‌ای کشورهای ساحلی خزر در فرایند

همگرایی منطقه‌ای

میرعبدالله حسینی*

استادیار اقتصاد بین‌الملل، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

بهرام امیراحمدیان

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

مهران نصیرزاد

استادیار اقتصاد بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۱/۲۲)

چکیده

مؤلفه‌ها و پیش‌زمینه‌های منطقه‌گرایی در دنیا متنوع است؛ اما همه از عوامل و شرایط مشابهی برخوردارند که از آن‌ها به این مؤلفه‌ها می‌توان اشاره کرد: جغرافیا، اندازه اقتصاد، اشتراک‌های فرهنگی، به‌ویژه اراده سیاسی. استفاده از ظرفیت‌های موجود و توسعه روابط، همکاری‌ها و روابط همه‌جانبه با کشورهای ساحلی خزر سرلوحه روابط منطقه‌ای ایران بوده، به‌گونه‌ای که در تصمیم‌سازی‌های سیاسی، توسعه روابط و مناسبات با این کشورها اهمیت فراوانی یافته است. این مهم با برنامه‌ریزی و برخورداری از مؤلفه‌های اقتصاد کلان بین‌الملل، مناسب کشورهای حوزه خزر نمود شایان توجهی پیدا است. در نوشتار حاضر تلاش شده است تا به روش توصیفی تحلیلی و تطبیقی کتابخانه‌ای در قالب نظریه‌های همگرایی و منطقه‌گرایی، ابعاد اثرگذاری مؤلفه‌های اقتصاد کلان بین‌المللی این کشورها بر توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در فرایند تکاملی منطقه‌گرایی بیان شود. در واقع نظر به اهمیت فراوان توسعه روابط و همکاری‌های منطقه‌ای برای ایران به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که مؤلفه‌های اقتصاد کلان بین‌الملل چگونه می‌توانند در فرایند تکاملی منطقه‌گرایی و همگرایی ایران با این کشورها اثرگذار باشد؟ پاسخ به این پرسش، آن است که استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد کلان بین‌المللی گامی بنیادین در توسعه روابط و گسترش همکاری‌ها و روابط درون منطقه‌ای و بین منطقه‌ای ایران و این کشورها بوده است و در صورت جدیت و اراده دو طرف در فراهم کردن زیرساخت‌های همه‌جانبه و ظرفیت‌های نهادی و در پی آن افزایش جریان مبادلات تجاری دوجانبه و منطقه‌ای، می‌توان آن را نقطه عطفی در فرایند تکاملی همگرایی منطقه‌ای ایران با این کشورها دانست.

کلیدواژه‌ها

اقتصاد کلان بین‌المللی، ایران، تحولات توسعه‌ای، شاخص‌های توسعه‌ای، شریک تجاری منطقه‌ای، کشورهای ساحلی خزر، منطقه‌گرایی.

مقدمه

در عصر جهانی شدن، توسعه دیگر مقوله‌ای فقط ملی نیست و کشورها برای دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی به ناچار باید زمینه‌های برخورداری از امکانات و منابع منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کنند. چگونگی تمهید این سازوکار برای استفاده از منابع منطقه‌ای و بین‌المللی از مهم‌ترین مقولاتی است که امروزه پیش روی همه کشورهای به‌ویژه کشورهای در گستره پیرامونی ایران است (Hosseini and Bozorgi, 2002: 3, Zahrani and Others, 2016: 94). کشورهای ساحلی خزر شامل ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان است. چهار کشور به غیر ایران عضو جمهوری‌های مستقل هم‌سود، سی‌آی‌اس و چهار کشور به جز روسیه عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو و سه کشور روسیه، قزاقستان و ایران عضو اصلی و ناظر سازمان همکاری شانگهای هستند. نظر به اهمیت اعضای مشترک اکو و سی‌آی‌اس، در ادامه تلاش بر آن است تا ویژگی‌های چندوجهی اقتصادی کشورهای ساحلی خزر بررسی شود.

بیشتر کشورهای واقع در منطقه پیرامونی ایران از جمله کشورهای ساحلی خزر با دراختیارداشتن ظرفیت‌های بالقوه درخور توجه، مدت‌هاست که در فرایند توسعه منطقه‌گرایی اقتصادی گام نهاده‌اند، با این وجود در مراحل ابتدایی سطوح منطقه‌گرایی (از موافقت‌نامه تجارت ترجیحی تا کامل‌ترین شکل اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای) قرار دارند. وجود ترتیب اقتصادی منطقه‌ای کشورهای مستقل هم‌سود و سازمان همکاری اقتصادی اکو، گواه‌انگیزه‌ها و تمایل‌های موجود این کشورها در زمینه منطقه‌گرایی است. در مقایسه با کوشش‌های بسیاری که از سوی بیشتر این کشورها انجام شده است، تاکنون پیشرفت مناسبی در زمینه منطقه‌گرایی به‌دست نیامده است (Hosseini and Houman, 2007: 13, Shahabi and Sheikholeslami, 2011: 77) و همچنان با سطوح منطقه‌گرایی کارآمد، بسیار فاصله دارد. به‌نظر می‌آید در شرایط کنونی حرکت مرحله‌به‌مرحله در راستای مراحل تکاملی هم‌پیوندی اقتصادی با اعضای کم (در قالب دو و سه‌جانبه)، اما کارآمد اقدام موفقیت‌آمیزی در میان این کشورها باشد. از این منظر، کشورهایی که استعداد، انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری‌های اقتصادی بازرگانی دارند و پیوستن دیگر کشورها در مراحل بعد به آن، عملی‌ترین راه برای تحقق هدف «توسعه پایدار منطقه‌ای» است (Rasekhi and Hosseini, 2017: 67-68, Atai, 2012: 119-120).

در این نوشتار تلاش شده است تا به روش توصیفی تحلیلی و تطبیقی کتابخانه‌ای و در قالب نظریه‌های همگرایی و منطقه‌گرایی به ابعاد شاخص‌های توسعه‌ای با محوریت مؤلفه‌های اقتصاد کلان بین‌الملل این کشورها در فرایند تکاملی همگرایی منطقه‌ای توجه شود. در واقع

نظر به اهمیت فراوان توسعه روابط و همکاری‌های منطقه‌ای برای ایران، به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی هستیم که مؤلفه‌های اقتصاد کلان بین‌الملل چندوجهی کشورهای ساحلی خزر چگونه می‌تواند در فرایند تکاملی منطقه‌گرایی و همگرایی ایران با کشورهای ساحلی خزر اثرگذار باشد؟ این نوشتار، برای تبیین و مطالعه تطبیقی شاخص‌های اساسی توسعه اقتصاد اثرگذار بر منطقه‌گرایی که به نوبه خود توانمندی‌ها و استعدادها را در آن‌ها را در ایجاد هم‌پیوندی اقتصادی کارآمد نشان می‌دهد، با استفاده از رهیافت مطالعات تطبیقی بر مبنای جدیدترین اطلاعات و آمارها از شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌المللی در دسترس استفاده می‌کند.

چارچوب نظری و روش پژوهش

عنصر مهم در تعریف منطقه‌گرایی مفهوم «منطقه» است که روشن شدن ابعاد آن ضروری است. از منطقه به عنوان گروهی از کشورها یاد شده است که در چارچوبی حقوقی و به صورت نامحدود در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد با یکدیگر همکاری کرده‌اند و به تدریج همکاری‌های خود را توسعه می‌دهند (Sheila, 2000: 5). بر اساس این تعریف، همکاری‌هایی که کشورها به صورت محدود و موقت با یکدیگر انجام می‌دهند از دامنه شمول منطقه‌گرایی خارج است. بر این اساس منطقه‌گرایی ویژگی پایدار دارد و در آن افق درازمدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می‌شود. منطقه‌گرایی بیشتر جنبه تکاملی دارد و سطح و دامنه همکاری‌ها به تدریج تعمیق می‌یابد. منطقه‌گرایی بسته به دامنه و عمق همکاری اعضا در شکل‌های متفاوتی ظهور می‌یابد (Amir Ahmadian and Hosseini, 2011: 103). افزایش تجارت منطقه‌ای در همه حال در اثر مبادله ترجیح‌ها ایجاد نشده است و فقط به حوزه تکامل تجاری و تجارت ترجیحی تولید محصولات در منطقه مشروط نیست. در نمونه‌هایی تولیدکنندگان منطقه‌ای با اتکا به مزیت‌های نسبی و طبیعی مانند سرمایه‌گذاری مشترک صنعتی، نزدیکی جغرافیایی و هزینه پایین‌تر حمل و نقل در مقایسه با تولیدکنندگان غیرمنطقه‌ای از قابلیت رقابت برخوردار هستند (Sabbagh Kermani, 2013: 390-403).

منطقه‌گرایی بسته به دامنه و عمق همکاری اعضا در اشکال متفاوتی ظهور می‌یابد. از ابتدایی‌ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه‌ای «موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی»^۱ است که شرکت‌کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تجاری شامل تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای در ارتباط با بخشی از تجارت یکدیگر اقدام می‌کنند. چنین ترتیباتی به دلیل مجازنبودن کشورهای توسعه‌یافته به عضویت در آن‌ها بر اساس مقررات سازمان جهانی

تجارت بیشتر در بین کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است که از آن میان می‌توان به «نظام جهانی ترجیح‌های تجاری»^۱ بین تعدادی از کشورهای در حال توسعه اشاره کرد. در سطحی بالاتر از موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی، ناحیه تجارت آزاد^۲ قرار دارند که متداول‌ترین شکل منطقه‌گرایی است. در این نوع از ترتیبات منطقه‌ای، کشورهای عضو به‌جای کاهش موانع تجاری در ارتباط با تجارت تعداد محدودی از کالاها، به حذف موانع تجاری در ارتباط با تقریباً تمام و یا حجم اصلی تجارت یکدیگر اقدام می‌کنند. معمولاً کشورهایی که موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد می‌بندند، تعهدهای آزادسازی را در یک دوره انتقالی اجرا می‌کنند و تحقق یک ناحیه آزاد تجاری در عمل ممکن است، بیش از ده سال طول بکشد. امروزه بسیاری از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد از صرف آزادسازی تجارت کالا بین اعضا فراتر رفته است و دامنه تعهدها را به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش داده‌اند. به‌علاوه تعداد زیادی از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد در جهان ضوابط و موازینی را در زمینه حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری، سیاست رقابتی، خریدهای دولتی، حقوق کارگران و همکاری در دیگر زمینه‌های مرتبط با تجارت اعمال می‌کنند (McCann, 2015: 378-414). به‌طور تاریخی، منطقه اروپا و حوزه مدیترانه بیشترین تعداد ترتیبات تجارت آزاد را در خود جای داده؛ به‌گونه‌ای که سهم این منطقه از ترتیبات منطقه‌ای ۵۰ درصد است (WTO, 2000-2015: 3).

به دو دلیل ضرورت می‌یابد که به‌منظور تضمین اینکه ترجیح‌ها در عمل فقط به اعضا تعلق می‌یابند، سازوکاری تدوین شود:

۱. از آنجا که حجم آزادسازی تجاری و مبادله ترجیح‌ها در چارچوب موافقت‌نامه تجارت ترجیحی و تجارت آزاد فراتر از آزادسازی تجاری در قالب چندجانبه و مبتنی بر اصل دولت کامله‌الوداد^۳ است؛
۲. در این نوع ترتیبات و در این سطح از همکاری‌ها، اعضا در قبال غیراعضا سیاست تجارت مستقلی دارند.

در این زمینه همه موافقت‌نامه‌ها سازوکار قواعد مبدأ را دارند که معیارهایی برای تعیین مبدأ کالایی را شامل می‌شود که مشمول ترجیح‌ها هستند. بدین ترتیب قواعد مبدأ از صدور دوباره کالاها توسط یکی از اعضای چنین ترتیباتی جلوگیری می‌کند که ممکن است تعرفه‌های پایین‌تری در مقایسه با دیگر اعضا برای محصولات صادراتی غیرعضو اعمال کند (Hosseini and Others, 2007: 431)؛ بنابراین گام نخست منطقه‌گرایی دسترسی آسان به بازار اعضا با حذف موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش نرخ تعرفه‌ها در بین کشورها است.

1. Global System of Trade Preferences
 2. Free Trade Area
 3. Most Favoured Nations (MFN)

پس از مناطق آزاد تجاری، شکل پیشرفته‌تر منطقه‌گرایی تأسیس «اتحادیه گمرکی» است. از دیگر اشکال تکامل یافته‌تر منطقه‌گرایی «بازار مشترک» و «اتحادیه اقتصادی»^۱ است. اتحادیه گمرکی نوعی ترتیب منطقه‌ای است که اعضا علاوه بر حذف موانع تجاری در بین یکدیگر به گرفتن سیاست تجاری مشترک در برابر غیر اعضا اقدام می‌کنند. در این نوع همگرایی منطقه‌ای که نیازمند صرف نظر کردن از بخش بیشتری از حاکمیت ملی است، اعضا اختیار تدوین مستقل سیاست تجاری را در سطح ملی از دست می‌دهند و به اتفاق دیگر اعضا، سیاست تجاری یکسانی را در مقابل غیراعضا در پیش می‌گیرند.^۲ در برخی از مناطق دنیا بعضی از ترتیبات منطقه‌ای به صورت ناقص به گرفتن سیاست تجاری مشترک در برابر غیراعضا اقدام کرده‌اند. در مناطق پیرامونی ایران، شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۰۵ برنامه تأسیس اتحادیه گمرکی را در دستور کار داشت و ترکیه نیز در همسایگی ایران و عضو اکو در سال ۱۹۹۶ با اتحادیه اروپا موافقت‌نامه اتحادیه گمرکی بسته است و همچنان برای عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می‌کند (Amir Ahmadian and Hosseini, 2011: 105).

روش مطالعه به این شکل است: نخست بالغ بر ۲۰ متغیر از مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد کلان بین‌الملل کشورهای ساحلی خزر که توانمندی‌ها و استعدادها را در منطقه‌گرایی نشان می‌دهد، با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطالعات تجربی تجارت بین‌الملل برگزیده شد. این متغیرها در دسته‌بندی کلی در ۴ دسته قرار می‌گیرند: ۱. مؤلفه‌های عمومی و جغرافیایی؛ ۲. بنیان‌های اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی؛ ۳. تجارت و اقتصاد بین‌الملل؛ ۴. متغیرهای مرتبط با توسعه زیرساخت‌ها (Hosseini and Others, 2007: 119-152).

در رابطه با مؤلفه‌ها از شاخص‌های جغرافیا، اقتصاد و تجارت بین‌الملل کشورها، تعدادی از شاخص‌ها به دلیل نبود داده‌های آماری مرتبط به همه اعضا حذف شدند. به علاوه تعدادی از متغیرها هم با یکدیگر ضریب همبستگی بالایی داشتند که به یک شاخص به عنوان نماینده در آن حوزه بسنده شد. بنابراین شاخص‌ها به ۱۰ شاخص تقلیل یافت و برای محاسبه و تحلیل شاخص‌ها و متغیرهای نهایی از جمله شاخص توسعه انسانی، تولید ناخالص داخلی و سرانه، ارزش تجارت کالایی، مزیت نسبی طبیعی (جغرافیایی و جمعیتی)، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، زیرساخت‌ها و رقابت‌پذیری از جدیدترین آمار در دسترس استفاده شده است. با توجه به همه ملاحظات از جمله ملاحظات خاص در انتخاب شاخص‌ها، حذف

1. Customs Union, Common Market and Economic Union

۲. در اتحادیه گمرکی به دلیل رفع نگرانی صادرات دوباره کالا که در ناحیه آزاد تجاری وجود دارد، تشریفات نقل و انتقال کالا ساده‌تر می‌شود؛ ولی پیچیدگی‌های جدیدی ظهور می‌یابند. از آن جمله می‌توان به دشواری تعیین سیاست تجاری مشترک در برابر غیراعضا به دلیل منافع متفاوت اعضا و ضرورت ایجاد سازوکارهای توزیع درآمد گمرکی اشاره کرد که زمینه اصطکاک منافع بین اعضا را افزایش می‌دهد.

شاخص‌هایی به دلیل نداشتن داده‌های آماری کامل برای تمام کشورها و برای پرهیز از احتساب مضاعف و وزن متناسب شاخص‌ها، در کل از ۱۰ شاخص کلیدی در فرایند نهایی محاسبات و تحلیل‌ها استفاده شد (3: Hosseini and Bozorgi, 2002). در ادامه نتایج یافته‌ها در قالب مؤلفه‌های موردنظر کشورهای ساحلی خزر ارائه می‌شود:

ویژگی‌های جغرافیایی و جمعیتی

الف) جغرافیا: در منطقه‌گرایی، اعضا از نظر جغرافیایی به هم نزدیک هستند، گو اینکه جغرافیای اقتصادی می‌تواند تغییر یابد. با این حال، تغییر هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل می‌تواند معادلات درباره اهمیت فاصله بین اعضای گروه‌بندی منطقه‌ای را به هم بزند. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر، سبب کاهش هزینه گسترش منطقه‌گرایی می‌شود. با این وجود، نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل و نقل تنها عامل در تعیین اعضای گروه‌بندی منطقه‌ای نیست و هزینه حمل و نقل جزئی از هزینه معاملاتی است و بسته به تعداد مراکز تولید و سطوح مختلف توسعه طرف‌های بالقوه تجاری، هزینه معامله با آن‌ها فرق می‌کند (4-2: Bozorgi and Hosseini, 2011).

نزدیکی جغرافیایی کشورها نه تنها می‌تواند سبب تسهیل و ارزان‌تر شدن معاملات اقتصادی آن‌ها شود، بلکه می‌تواند موجب برخی ویژگی‌های اقتصادی مشترک از نظر منابع و آب‌وهوا بین کشورها نیز باشد. در بیشتر منطقه‌گرایی‌ها، اعضا در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند؛ ولی در تعدادی از گروه‌بندی‌ها نیز حداقل برخی از اعضا با دیگران فاصله دارند، به طوری که نمی‌توان فاصله جغرافیایی را پدیده نامتعارفی در گروه‌بندی‌ها دانست. کشورهای ساحلی خزر از لحاظ گستره جغرافیایی در دور تا دور خزر پراکنده شده‌اند. در این منطقه، کشورها از نظر جغرافیایی به هم نزدیک هستند و هزینه نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل به مراتب پایین‌تر از سایر کشورها است. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر سبب کاهش هزینه گسترش این گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود. از این منظر این کشورها به سبب نزدیکی جغرافیایی از یک مزیت نسبی برخوردارند. در واقع این کشورها از نظر جغرافیایی نزدیک به هم و جزء شریک‌های تجاری طبیعی یکدیگر محسوب می‌شوند.

ب) اندازه جمعیت: اندازه جمعیت از عوامل مهم در بررسی منطقه‌گرایی است؛ زیرا با این پشتوانه قدرتی که برای کشورها به وجود می‌آید، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای منطقه‌گرایی نقش مهمی ایفا می‌کند. بر این اساس، جمعیت اعضای این گروه‌بندی‌ها اشکال مختلفی به آن‌ها می‌دهد: گاه یک کشور از نظر جمعیتی کاملاً مسلط است و گاه وزن کشور مسلط به وسیله مجموع وزن سایر اعضا خنثی می‌شود. با این حال، وزن کشورها را نباید فقط با جمعیت آن‌ها سنجید؛ بلکه به درآمد آن‌ها نیز باید توجه کرد. مسئله دیگر، جمعیت کل اعضای

گروه‌بندی است؛ زیرا کل جمعیت یک گروه‌بندی روی ساختار و پایداری، وزن جمعیت و نقش آن در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد (Hosseini and Others, 2007: 116-119).

کشورهای ساحلی خزر در سال ۲۰۱۶ با جمعیت ۲۵۷ میلیون نفر ۳/۴ درصد از جمعیت جهانی را در خود جا داده است. جمعیت این کشورها از ۲۴۰ میلیون نفر (۳/۹ درصد جمعیت جهان) در سال ۲۰۰۰ به ۲۵۷ میلیون نفر (۳/۴ درصد جمعیت جهان) در سال ۲۰۱۶ که به‌طور مطلق افزایش، ولی نسبی رو به کاهش گذاشته است (United Nations, 2016 (a)). این کشورها از نظر جمعیت از بازیگران نه چندان مطرح منطقه‌ای هستند و در میان دیگر گروه‌بندی‌های منطقه‌ای وزن چندان مهمی ندارند.

در این منطقه، بالاترین جمعیت به روسیه و ایران تعلق دارد که این دو کشور ۸۷ درصد از کل جمعیت این منطقه را در خود جای می‌دهند. پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد جمعیت در روسیه رو به کاهش گذارد؛ به‌طوری که هم جمعیت و هم سهم نسبی روسیه در یک دهه اخیر رو به کاهش گذاشته است. حال آنکه سایر کشورها دارای نرخ رشد، جمعیت مثبت را تجربه کرده‌اند (United Nations, 2016 (b)). البته معیار جمعیت در کنار قدرت و اندازه اقتصاد بیشتر مفهوم می‌یابد که در ادامه ارائه می‌شود.

وضعیت ساختار جمعیتی این کشورها با محوریت روسیه همسان با ساختار جمعیتی ایران نیست؛ زیرا نرخ رشد جمعیت در روسیه بر خلاف ایران رو به کاهش و نیز جمعیت شهرنشینی و آهنگ رشد جمعیت شهری روسیه بالا است. جمعیت فعال، نیروی کار و نیروی کار زنان روسیه به‌مراتب بیشتر از ایران در بازار کار حضور دارند و بار تکفل در آن جامعه پایین‌تر از ایران است.

ج) اشتغال: اشتغال کامل و کاهش بیکاری به سطح بیکاری اصطکاک‌ی (نرخ طبیعی بیکاری) از مطلوب‌ترین وضعیت اقتصادکلان هر کشوری است. بنابر گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد در جدول ۱، شاخص کارایی بازار کار برای ۴ کشور از ۵ کشور ساحلی خزر نتیجه می‌شود که کارآمدترین بازار کار از آن جمهوری آذربایجان است. جمهوری آذربایجان با رتبه ۱۴ در بازار کار، کارنامه موفق‌تری نه تنها در بین کشورهای منطقه بلکه در جهان به‌دست آورده است (این شاخص برای ایران ۱۴۱ است). بعد از آن، قزاقستان با رتبه ۲۱، بهترین رتبه را در کارایی بازار کار به‌دست آورده است. روسیه با کسب رتبه ۶۵ در بازار کار وضعیت چندان مناسبی ندارد. هم‌اینک وضعیت بازار کار این کشورها به‌ویژه جمهوری آذربایجان به مراتب کارآمدتر از بازار کار ایران است.

د) شاخص توسعه انسانی: این شاخص برای ۵ کشور ساحلی خزر، از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۵ در جدول ۲ آمده است. بنابر آن، کشورها (۱۸۸ کشور) به چهار سطح توسعه

انسانی خیلی بالا، بالا، میانه و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. شاخص توسعه انسانی برای این کشورها از رتبه ۵۰ (روسیه) تا ۱۰۹ (ترکمنستان)، ناهمگون و در سطح پایینی است و به‌عنوان ملاکی برای همگرایی منطقه‌ای تلقی نمی‌شود؛ البته جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی کشورها در ارتقای رفاه سرانه، بهبود شاخص توسعه انسانی را در پی داشته و به‌دنبال آن همگرایی منطقه‌ای را بهتر میسر می‌سازد.

جدول ۱. شاخص کارایی بازار کار و اجزای آن

روسیه		ایران		قزاقستان		آذربایجان		
رتبه	ارزش	رتبه	ارزش	رتبه	ارزش	رتبه	ارزش	
۱۲۵	۳/۸	۱۱۹	۴/۲	۷۸	۴/۶	۴۷	۳/۶	همکاری در روابط کارگر و کارفرما
۸۳	۳/۵	۱۳۴	۵/۵	۳۱	۵/۷	۲۰	۴/۹	انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزدها
۹۴	۲۹	۷۹	۱۷	۳۹	۱۰	۱۹	۳۸	شاخص انعطاف اشتغال
۸۵	۳/۷	۸۹	۴/۴	۳۴	۵/۳	۵	۳/۷	رویه‌های استخدام و اخراج
۲۹	۲۳	۱۰۴	۹	۱۶	۲۲	۴۲	۱۷	هزینه‌های اخراج (به هفته‌های حقوق)
۶۱	۳/۲	۱۲۴	۴/۷	۱۸	۴/۴	۳۳	۴	پرداخت و بهره‌وری
۱۱۲	۳/۵	۱۲۲	۳/۶	۱۱۶	۳/۷	۱۰۵	۳/۷	اتکای به مدیریت حرفه‌ای
۹۸	۲/۹	۱۰۹	۳/۱	۸۸	۳/۲	۷۸	۲/۹	فرار مغزها
۱۸	۰/۲۳	۱۴۳	۰/۹۱	۱۹	۰/۹۱	۱۷	۰/۹۱	مشارکت زنان در بازار کار (نسبت زن به مرد)
۶۵	۳/۲	۱۴۱	۴/۹	۲۱	۵	۱۴	۴/۴	کارایی بازار کار

Source: WEF, 2015: 98-351.

جدول ۲. شاخص توسعه انسانی در کشورهای ساحلی خزر در سال ۲۰۱۴

شرح	شاخص توسعه انسانی	امید به زندگی	میانگین تحصیلات	درآمد ملی ناخالص سرانه	تفاوت رتبه درآمد	شرح
	رتبه	(سال)	(سال)	(PPP\$)	رتبه توسعه انسانی	
۱. روسیه	۵۰	۷۰/۱	۱۲	۲۲۳۵۲	-۱	
۲. ایران	۶۹	۷۵/۴	۸/۲	۱۵۴۴۰	+۴	
۳. جمهوری آذربایجان	۷۸	۷۰/۸	۱۱/۲	۱۶۴۲۸	-۱۱	
۴. قزاقستان	۵۶	۶۹/۴	۱۱/۴	۲۰۸۶۷	-۱	
۵. ترکمنستان	۱۰۹	۶۵/۶	۹/۹	۱۳۰۶۶	-۲۸	

Source: UNDP, 2015: 208-211.

شاخص‌های اقتصادی و اقتصاد کلان بین‌الملل

الف) اندازه اقتصاد کشورها

ساده‌ترین شاخصی که می‌توان به‌عنوان معیاری برای امکان‌سنجی ادغام بین‌گروهی از کشورها استفاده کرد، تولید ناخالص داخلی (اندازه اقتصاد) کشورها است. وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصاد به‌هم نزدیک‌تر باشند، امکان تجارت بین آن‌ها افزایش می‌یابد (Flam and Helpman, 1987: 812). در واقع کشورها از نظر اندازه اقتصادی به‌هم نزدیک هستند و تولیدات متنوع‌تری را وارد می‌کنند.^۱ نتایج تجربی این معیار برای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی مورد تأیید است. در جدول ۳، اندازه اقتصاد و تولید سرانه کشورهای ساحلی خزر برای سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ آورده شده است. بنابر آن، کل تولید ناخالص داخلی ساحلی خزر در سال ۲۰۰۰، ۳۹۲ میلیارد دلار بود که کل اندازه اقتصاد در سال ۲۰۱۴ به ۲۵۹۰ میلیارد دلار با شاخص عملکرد ۶۶۱ و نرخ رشد سالانه ۱۴/۴ درصد در این مدت رشد چشمگیری را شاهد بوده است. نظر به اینکه سهم این کشورها از اندازه اقتصاد جهانی ۱/۲۱ درصد در سال ۲۰۰۰ بوده که در مقایسه با سهم از جمعیت جهانی در آن سال، ۳/۹ درصد به‌مراتب پایین است؛ اما در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ اندازه اقتصاد این کشورها رشد چشمگیری را شاهد بوده است؛ به‌طوری‌که در سال ۲۰۱۴ سهم این کشورها از اندازه اقتصاد به ۳/۳۴ درصد رسیده است که در مقایسه با سهم از جمعیت جهانی، برابری می‌کند. در این میان، روسیه و ایران هر یک با ۱۸۶۵/۳ و ۳۹۶/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ بیشترین سهم از اندازه اقتصادهای منطقه خزر را داشته‌اند که در مجموع ۸۷/۳ درصد از اندازه اقتصاد منطقه را به‌دست آورده‌اند. این کشورها از نظر شباهت اندازه اقتصاد کشورهایی نامتجانس و ناهمگون هستند و امکان رشد جریان حجم تجارت درون منطقه‌ای با این شکاف در اندازه اقتصاد، نمی‌تواند درخور توجه باشد.

ب) تولید ناخالص داخلی سرانه (درآمد سرانه)

درآمد سرانه^۲ معیار مناسبی برای مقایسه اوضاع اقتصادی کشورهای مختلف با یکدیگر است؛ ولی این معیار به‌طور مطلق حاکی از توسعه اقتصادی یک کشور نیست؛ چرا که باید عوامل

۱. برای نمونه، اگر یک دنیای سه‌کشوری را در نظر بگیریم و اندازه اقتصاد برای هر سه کشور ۱۲۰ باشد، اگر اندازه اقتصاد کشورها به ترتیب ۱۰، ۱۰، ۱۰۰ باشد، پس حداکثر مقدار صادرات در این دنیا ۴۰ خواهد بود؛ یعنی وقتی که کشورهای کوچک تمام اندازه اقتصاد را صادر و مقدار مساوی وارد کنند؛ اما اگر اندازه اقتصاد هر کشور ۴۰ باشد، حداکثر میزان صادرات در این سه کشور ۱۲۰ خواهد بود.

۲. طبق تقسیم‌بندی بانک جهانی کشورهای با سطح درآمد سرانه کمتر از ۷۴۵ دلار، درآمد پایین، درآمد سرانه بین ۷۴۶ تا ۲۹۷۵ دلار درآمد متوسط به پایین، درآمد سرانه بین ۲۹۷۶ و ۹۲۰۵ درآمد متوسط به بالا و درآمد سرانه بیش از ۹۲۰۶ درآمد بالا محسوب می‌شود. از این کشورها، روسیه، قزاقستان و به‌تازگی ترکمنستان با سطح درآمد سرانه بالا و جمهوری آذربایجان و ایران با درآمد سرانه متوسط قرار دارند.

دیگری مانند سطح و هزینه زندگی و نحوه توزیع درآمدها، نیازها و مشکلات هر کشور، تمایلات عادت‌های مصرفی، ضریب پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را باید در نظر گرفت. رعایت این ضوابط تا حدودی درآمد سرانه را به واقعیت‌های اقتصادی کشور نزدیک‌تر می‌کند و موضوع مقایسه را منطقی‌تر می‌سازد.

بر مبنای این شاخص، هرچه کشوری با تولید سرانه بالاتر روبه‌رو باشد، از قدرت اقتصادی بیشتری برخوردار است و در منطقه‌گرایی با کشورهای قدرت اقتصادی بالاتر بهتر می‌تواند همکاری کند. به‌علاوه امکان توسعه تجارت به‌ویژه تجارت درون‌منطقه‌ای در بین کشورهای که با شکاف عظیم در اندازه اقتصاد و همین‌طور درآمد سرانه مواجه‌اند، کمتر میسر است (Hosseini, 2011: 20). رشد تولید ناخالص داخلی نشان‌دهنده درصد تغییر در تولید کالاها و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصادی با استفاده از ظرفیت‌های موجود در هر کشور است. این کشورها در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ رشد اقتصادی همواره مثبت (البته به جز دو سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ مصادف با بحران اقتصاد جهانی)، رشد چشمگیری را شاهد بوده‌اند. در این میان، نظر به رشد تولید ناخالص داخلی و سرانه این کشورها به‌ویژه جمهوری آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، درآمد سرانه تا چند برابر افزایش یافته است.

جدول ۳. اندازه اقتصاد و تولید سرانه کشورهای ساحلی دریای خزر

شرح	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار و درصد)				تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار و درصد)				
	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۴	نرخ رشد	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۴
جهان	۳۲۲۸۷	۴۵۷۴۵	۶۳۰۶۴	۷۷۴۵۱	۶/۴۵	۵۲۹۳	۷۰۵۷	۹۱۷۸	۱۰۶۹۴
ایران	۱۰۴	۲۰۶	۳۸۷	۳۹۷	۱۰/۰۲	۱۵۹۲	۲۹۴۸	۵۲۲۷	۵۰۵۲
روسیه	۲۵۹	۷۶۴	۱۴۸۰	۱۸۶۵	۱۵/۱۳	۱۷۶۸	۵۳۱۱	۱۰۳۵۱	۱۳۰۹۳
جمهوری آذربایجان	۵	۱۳	۵۲	۷۴	۲۰/۷۸	۶۵۰	۱۵۴۲	۵۶۳۸	۷۷۸۷
قزاقستان	۱۸	۵۷	۱۴۷	۲۰۵	۱۸/۸۶	۱۲۲۳	۳۷۶۵	۹۱۶۷	۱۲۳۶۹
ترکمنستان	۵	۱۲	۲۳	۴۹	۱۷/۸۱	۱۰۹۶	۲۶۱۹	۴۵۸۷	۹۲۱۴
کل حوزه خزر	۳۹۲	۱۰۵۲	۲۰۸۱	۲۵۹۰	۱۴/۴۴				
درصد از جهان	۱/۲۱	۲/۳۰	۳/۳۱	۳/۳۴	۷/۸۲				

Source: UNCTAD, 1990- 2015: 340-345, World Bank, 2015: 100-250.

ج) ساختار اقتصادی بر حسب نوع فعالیت

۱. سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی: سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی به‌مثابه شاخصی برای سنجش توسعه صنعتی ارزیابی شده و بیانگر قابلیت‌ها و امکانات صنعتی اقتصاد کشورها است. براساس آمار موجود، سهم صنعت به‌طور عام از تولید ناخالص داخلی این کشورها پیوسته قسمت اعظم اندازه اقتصاد آن کشورها است. نکته مهم‌تر اینکه بخش اعظم صنعت این کشورها را صنعت ساخته‌نشده تشکیل می‌دهد. به‌طوری که برای همه این کشورها، صنعت ساخته‌نشده بیش از صنعت ساخته شده است. در واقع این مسئله مبین آن است که در اصل صنعت این کشورها مبتنی بر نفت خام است و برای همه این کشورها صنعت مبتنی بر نفت خام از صنعت ساخته‌شده پیشی گرفته است؛ به طوری که این نسبت برای جمهوری آذربایجان ۶۴ به ۵، ایران ۴۲ به ۱۱، قزاقستان ۳۸ به ۱۲ است. در واقع صنعت بزرگ و مادر این کشورها متکی بر نفت است و صنعت ساخته‌شده اساسی ندارند.^۱

۲. جایگاه کشاورزی در اقتصاد: بنابر مطالعات تجربی توسعه، کشورها در گذار به صنعتی شدن، پیوسته سهم نسبی کشاورزی به تولید ناخالص داخلی رو به کاهش، سهم نسبی صنعت از تولید ناخالص داخلی رو به افزایش و از یک مرحله‌ای به بعد، سهم خدمات رو به فزونی می‌گذارد. این فرایند گذار به توسعه صنعتی در دو دهه گذشته در منطقه خزر در حال تکمیل است؛ چرا که با وجود افزایش ارزش افزوده کشاورزی، سهم نسبی آن از اقتصاد رو به کاهش گذاشته است.

۳. جایگاه خدمات در اقتصاد: با نهادینه شدن صنعت در اقتصاد، هم اینک بخش خدمات نیز جایگاه ممتازی در اقتصاد یکایک این کشورها به‌ویژه روسیه و قزاقستان به‌دست آورده است. این کشورها با ساختار اقتصادی متفاوت و رقیب و با سطوح توسعه اقتصادی ناهمگونی روبه‌رو هستند. این تفاوت‌ها در عین حال که می‌تواند جنبه مثبت داشته باشد، محدودیت‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. انتظار می‌رود که کشورهای با اقتصادهای بزرگ که سهم ارزش افزوده بخشی به‌نسبت متنوع دارند، شامل روسیه، قزاقستان و ایران بهتر بتوانند از جریان مبادلات تجاری منطقه‌ای بهره‌مند شوند.^۲

د) ساختار اقتصادی کشورها بر حسب نوع هزینه

در جدول ۴، ساختار تولید ناخالص داخلی برحسب نوع هزینه شامل سهم مصرف نهایی

۱. هرچند سهم صنعت از تولید ناخالص داخلی ایران پیوسته بالا است؛ ولی بخش بزرگی از آن تولیدات صنعتی کارخانه‌ای نیست؛ چرا که با جایگاه مسلط صنعت نفت در اقتصاد ایران، دیگر تولیدات صنعتی جایگاه مهمی ندارند؛ بنابراین سهم صنعت ساخته‌شده از اقتصاد ایران پیوسته پایین و در سال ۲۰۱۳ به ۱۱ درصد رسید. به‌طوری که سهم آن از اقتصاد ایران در دوره، روند صعودی معنی‌داری را شاهد نبوده است.

دولتی و تشکیل سرمایه ناخالص از اندازه اقتصاد برای این کشورها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ آورده شده است.

۱. سهم مصرف نهایی دولتی از اندازه اقتصاد: کشورهای ساحلی خزر از سیستم متمرکز اتحاد شوروی با میزان دخالت بالای دولت در اقتصاد جدا شده‌اند؛ با این وجود سهم مصرف نهایی دولتی این کشورها از متوسط جهانی پایین‌تر است. به علاوه در دوره سهم مصرف نهایی دولتی رو به کاهش گذاشته است (البته به جز روسیه).

۲. تشکیل سرمایه ناخالص از اندازه اقتصاد: از متغیرهای مهم اقتصاد کلان، سهم تشکیل سرمایه ناخالص از اندازه اقتصاد است که هرچه این معیار بالاتر باشد، حکایت از آن دارد که آن کشور توانسته در توسعه کشور تلاش کند و رشد و شکوفایی اقتصادی را به ارمغان آورد. بر مبنای این شاخص در حوزه خزر در دوره بالاترین نسبت به ترکمنستان و پایین‌ترین نسبت به روسیه تعلق داشته و دامنه این نسبت در بین این کشورها چشمگیر است.

جدول ۴. ساختار تولید ناخالص داخلی برحسب نوع هزینه و نوع فعالیت در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ (درصد)

شرح	سال	انواع هزینه‌ها		نوع فعالیت اقتصادی						
		مصرف نهایی		صادرات		واردات				
		خانوارها	دولت	کالا و خدمات	کشاورزی	کل	صنعت			
ایران	۲۰۰۰	۱۳/۸	۴۶/۴	۳۳/۴	۲۲/۱	۱۷/۰	۱۳/۴	۳۶/۲	۱۳/۲	۵۰/۵
	۲۰۱۰	۱۱/۸	۴۰/۹	۳۵/۴	۲۷/۶	۲۰/۷	۸/۹	۳۹/۱	۱۰/۱	۵۲/۰
	۲۰۱۳	۱۰/۶	۳۸/۷	۳۸/۷	۳۴/۸	۲۸/۱	۸/۵	۴۱/۸	۱۰/۷	۴۹/۸
روسیه	۲۰۰۰	۱۵/۳	۴۶/۲	۱۸/۷	۴۴/۱	۲۴/۰	۶/۸	۳۹/۵	۲۲/۴	۵۳/۸
	۲۰۱۰	۱۸/۷	۵۱/۵	۲۲/۶	۲۹/۲	۲۱/۱	۳/۹	۳۴/۹	۱۴/۸	۶۱/۴
	۲۰۱۳	۱۹/۵	۵۱/۹	۲۲/۶	۲۸/۴	۲۲/۵	۳/۹	۳۶/۳	۱۴/۸	۵۹/۸
جمهوری آذربایجان	۲۰۰۰	۱۵/۲	۶۴/۴	۲۰/۷	۴۰/۲	۳۸/۴	۱۷/۰	۴۵/۱	۵/۶	۳۷/۹
	۲۰۱۰	۱۰/۹	۳۹/۴	۱۸/۱	۵۴/۳	۲۰/۷	۵/۹	۶۴/۰	۵/۱	۳۰/۱
	۲۰۱۳	۱۱/۲	۴۲/۲	۲۴/۷	۴۸/۷	۲۶/۹	۵/۶	۶۱/۸	۴/۵	۳۲/۵
قزاقستان	۲۰۰۰	۱۲/۱	۶۱/۹	۱۸/۱	۵۶/۶	۴۹/۱	۸/۶	۴۰/۱	۱۷/۵	۵۱/۳
	۲۰۱۰	۱۰/۸	۴۵/۲	۲۵/۴	۴۴/۲	۲۹/۹	۴/۷	۴۱/۹	۱۱/۷	۵۳/۴
	۲۰۱۳	۱۰/۶	۴۸/۰	۲۶/۲	۳۹/۵	۲۷/۶	۴/۹	۳۷/۸	۱۱/۵	۵۷/۲
ترکمنستان	۲۰۰۰	۱۴/۲	۶/۵	۳۴/۷	۹۵/۵	۸۰/۹	۲۲/۹	۴۱/۹	۳۳/۰	۳۵/۲
	۲۰۱۰	۹/۵	۵/۱	۵۲/۹	۷۷/۸	۴۵/۳	۱۴/۵	۴۸/۴	۳۸/۰	۳۷/۰
	۲۰۱۳	۹/۲	۹/۳	۵۰/۷	۷۵/۳	۴۴/۴	۱۵/۴	۴۸/۴	۳۸/۰	۳۷/۰

Source: UNCTAD, 1990- 2015: 356-370.

ه) نرخ تورم

کنترل تورم همواره از مهم‌ترین هدف‌های سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهاست. نرخ بالای تورم مانعی برای توسعه اقتصادی بوده است و آثار مخربی بر عملکرد اقتصاد کشورها دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به بروز نااطمینانی در فعالیت‌ها، تشدید نابرابری توزیع درآمد، تضعیف سرمایه‌گذاری و اختلال در برنامه‌ریزی بنگاه‌ها اشاره کرد. اگرچه نقدینگی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان است و چنانچه رشد آن متناسب با نیازهای واقعی اقتصاد نباشد، می‌تواند موجب بی‌ثباتی قیمت‌ها و افزایش تورم در کشور شود. به همین دلیل، مقام‌های پولی کشورها همواره مدیریت و کنترل نقدینگی را در سیاست‌گذاری پولی مدنظر قرار می‌دهند تا از پیامدهای تورمی رشد آن جلوگیری کنند.

کشورهای منطقه به جز ایران توانسته‌اند نرخ تورم بالای قبل از سال ۲۰۰۰ را به کلی سامان دهند و هم‌اینک نرخ تورم یک رقمی را شاهد باشند و پیوسته و به تدریج در پی کاهش آن باشند. در حال حاضر، نرخ تورم در روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان به عدد یک رقمی و کمتر از ۱۰ رسیده است. ناگفته نماند که این میزان تورم نیز در مقیاس جهانی، تورم بالایی است (رتبه بالای ۱۰۰ در جهان). حال آنکه در نیمه نخست، در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ ایران بالاترین نرخ تورم نه تنها در سطح منطقه بلکه جهانی را تجربه کرد. البته با روی کار آمدن دولت دکتر روحانی، نرخ تورم به شدت کاهش یافت و هم‌اینک تک‌رقمی است.

جدول ۵. مقایسه نرخ تورم در حوزه خزر: در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ به درصد

سال	واحد	ایران	روسیه	جمهوری آذربایجان	قزاقستان
۲۰۱۰	درصد	۱۲/۵	۶/۹	۵/۷	۷/۴
	رتبه	۱۳۶	۱۱۱	۱۰۱	۱۱۷
۲۰۱۱	درصد	۲۱/۳	۸/۴	۷/۹	۸/۳
	رتبه	۱۴۲	۱۱۱	۱۰۶	۱۱۰
۲۰۱۴	درصد	۱۵/۵	۷/۸	۱/۴	۶/۷
	رتبه	۱۳۷	۱۲۳	۱	۱۱۵

Source: WEF, 2010-2014.

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و موجودی (انباشته آن)

در فرایند جهانی شدن و تشکیل گروه‌بندی‌ها در جهان، اقتصاد کشورها چه در فرایند طبیعی و چه به صورت مدیریت شده به تدریج به سوی همگونی بیشتر و یافتن جایگاه خویش در حال شکل‌گیری ساختار تولیدی و تجاری جهان، حرکت می‌کنند. از شاخص‌های اصلی برای اندازه‌گیری همگونی و سطح پیشرفت یک کشور در بین کشورهای جهان، بررسی ساختار

جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورهاست (Hosseini and Others, 2007: 131-134) جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۴ برای حوزه خزر در جدول ۶ آمده است. بنابر اطلاعات آماری آن جدول، کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی حوزه خزر در سال ۲۰۰۷ حدود ۶۹ میلیارد دلار بود که در مجموع ۳/۵ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی جهان را تشکیل می‌دهند و این رقم در سال ۲۰۱۴ به ۴۰/۲۲ معادل ۳/۲۷ درصد از سرمایه‌گذاری خارجی جهان تغییر کرده است. به‌طور کلی کشورهایی که جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری روبه‌رو بوده‌اند، در جهانی شدن اقتصاد و نیز گروه‌بندی‌های منطقه‌ای مشارکت فعال‌تری داشته‌اند و در منطقه‌گرایی نیز اهمیت ویژه‌ای دارند. در جمع‌بندی باید گفت که بنابر شاخص عملکرد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی این کشورها در اصل پایین بوده است، در این میان شاخص عملکرد ایران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی، پایین‌تر است. همچنین موجودی ورودی سرمایه‌گذاری منطقه خزر از ۴۹/۵۷ میلیارد دلار (معادل ۲/۹۸ درصد از جهان) در سال ۲۰۰۰ به ۵۹۷/۲ میلیارد دلار (معادل ۲/۲۹ درصد از جهان) در سال ۲۰۱۴ با شاخص عملکرد ۱۲۰۴/۸ و متوسط نرخ رشد سالانه ۱۹/۵ درصد در دوره روبه‌رو است که به‌نوبه خود در مقیاس منطقه‌ای و جهانی بی‌سابقه است. در منطقه خزر بهترین کارنامه در موجودی ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را روسیه به‌دست آورده است. موجودی ورودی در این کشور از ۳۲/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۳۷۸/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ با شاخص عملکرد ۱۱۷۵/۵ و متوسط نرخ رشد سالانه ۱۹/۲ درصد در این مدت را تجربه کرده است. موجودی ورودی در روسیه به کل این کشورها از ۶۴/۹۶ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۶۳/۴ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است. در واقع سهم موجودی ورودی بقیه ۴ کشور ساحلی خزر در مجموع به ۴۰ درصد نیز نمی‌رسد. *انسانی و مطالعات فرسنگی*

در این بین، قزاقستان با موجودی ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۱۲۹/۲ میلیارد دلار معادل ۱۵/۳۷ درصد منطقه در جایگاه دوم قرار دارد. ایران با موجودی ورودی ۴۳/۱ میلیارد دلار معادل ۷/۲ درصد از موجودی ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منطقه در جایگاه سوم است. ایران هم در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و هم موجودی آن در بین این کشورها جایگاه چندان مناسبی ندارد؛ به‌طوری که هم‌اینک قزاقستان با یک‌چهارم جمعیت ایران، کارنامه جذب ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مراتب بهتر از ایران را به‌دست آورده است.

جدول ۶. جریان و انباشت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حوزه خزر (میلیارد دلار و درصد)

شرح	جریان		انباشت	
	ورودی	خروجی	ورودی	خروجی
	۱۹۹۰	۱۹۷۶	۲۰۸۱	۲۰۹۳
جهان	۲۰۰۰	۱۳۲۸	۷۴۵۰	۷۹۵۳
	۲۰۱۴	۱۲۲۸	۲۶۰۳۹	۲۵۸۷۵
ایران	۱۹۹۰	۲/۰۱	۰/۳۰	۰/۰
	۲۰۰۰	۳/۶۵	۲/۶۰	۰/۵۷
	۲۰۱۴	۲/۱۱	۴۳/۱	۴/۱
	۱۹۹۰	-۴/۷۵
جمهوری آذربایجان	۲۰۰۰	۰/۵۶	۳/۷۴	۰/۰۰۱
	۲۰۱۴	۴/۴۳	۱۸/۲	۱۱/۲
	۱۹۹۰	۱۱/۱۲
قزاقستان	۲۰۰۰	۱۱/۵۵	۱۰/۰۸	۰/۰۰۲
	۲۰۱۴	۹/۵۶	۱۲۹/۲	۲۷/۲
	۱۹۹۰	۵۵/۰۷
فدراسیون روسیه	۲۰۰۰	۴۳/۱۷	۳۲/۲۰	۲۰/۱۴
	۲۰۱۴	۲۰/۹۶	۳۷۸/۵	۴۳۱/۹
	۱۹۹۰	۰/۸
ترکمنستان	۲۰۰۰	۳/۶۳	۰/۹۵	...
	۲۰۱۴	۳/۱۶	۲۶/۲	-
	۱۹۹۰	۶۹/۰۶
کشورهای ساحلی خزر	۲۰۰۰	۶۲/۵۶	۴۹/۵۷	۳۹۱/۲۶
	۲۰۱۴	۴۰/۲۲	۵۹۷/۲۴	۴۷۴/۴
	۱۹۹۰	۳/۵۰	...	۰/۲۶
سهم جهانی حوزه خزر	۲۰۰۰	۴/۷۱	۲/۹۸	۱/۸۵
	۲۰۱۴	۳/۲۷	۲/۲۹	۱/۸۳

Source: UNCTAD, 1990-2015: 200-236.

رقابت پذیری کشورهای ساحلی خزر

رقابت پذیری جهانی^۱ با استفاده از ۱۱۰ متغیر (نماگر) برای ۱۴۴ کشور محاسبه می‌شود (جدول ۷). متغیرها (نماگرها) به شکل موزون به ۱۲ مؤلفه یا رکن و سپس به ۳ زیرشاخص^۲ و

* ارقام جریان ورودی و خروجی FDI، به ترتیب برای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، از دو سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ جایگزین است.
 ۱. رقابت پذیری مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم را در اقتصاد کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت که اقتصادهایی رقابت پذیرتر هستند که سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان ایجاد می‌کنند. شاخص رقابت پذیری جهانی از میانگین موزون مؤلفه‌های متفاوت بسیاری تشکیل می‌شود که هر یک از آنها یکی از وجوه مفهوم پیچیده رقابت پذیری را نشان می‌دهد.

2. Variable or Indicator, Component or Pillar and Sub Index

سرانجام به شاخص رقابت‌پذیری جهانی تبدیل شده‌اند. هدف گزارش رقابت‌پذیری جهانی کمک به شناخت عوامل اصلی رشد اقتصادی پایدار و ارتقای سطح درآمد و رفاه کشورها در بلندمدت است. در این رهگذر، این گزارش ابزارها و رهنمودهایی برای بهبود سیاست‌ها و اصلاحات نهادی در اختیار سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی قرار می‌دهد. شالوده این گزارش را بررسی مقایسه‌ای «شاخص رقابت‌پذیری جهانی»^۱ تشکیل می‌دهد که شاخصی برگرفته از مبانی و معیارهای خرد و کلان رقابت‌پذیری ملی است. در ادامه به شکل کلی نکات برجسته برای حوزه خزر را با تأکید بر ایران بیان می‌کنیم.

بررسی فاصله (شکاف) ایران در شاخص‌ها، ارکان و مؤلفه‌های رقابت‌پذیری با مطلوب‌ترین وضعیت، نشان می‌دهد که بالاترین شکاف در دو مؤلفه کارایی بازار کار و نوآوری و کمترین شکاف در دو مؤلفه اندازه بازار و ثبات محیط اقتصاد کلان اتفاق افتاده است. بالاترین فاصله (شکاف) در مؤلفه‌های دوازده‌گانه شاخص رقابت‌پذیری از جنبه ارزش عددی (امتیاز) به ترتیب در ۵ مؤلفه آمادگی جذب فناوری، زیرساخت‌ها، نوآوری، کارایی بازار کار و توسعه بازار مالی، با شکاف بیش از ۲/۵۰- اتفاق افتاده است. همچنین بالاترین فاصله (شکاف) در مؤلفه‌های دوازده‌گانه شاخص رقابت‌پذیری از جنبه رتبه جهانی در ۵ مؤلفه کارایی بازار کار، توسعه بازار مالی، آمادگی جذب فناوری، کارایی بازار کالا و پیچیدگی کسب‌وکار رخ داده است. پس از هر دو جنبه سه مؤلفه آمادگی جذب فناوری، کارایی بازار کار و توسعه بازار مالی مهم‌ترین عوامل در تضعیف جایگاه ایران در رقابت‌پذیری جهانی هستند؛ بنابراین به منظور ارتقای جایگاه رقابت‌پذیری جهانی ایران به این سه مؤلفه باید بسیار توجه شود و در اولویت سیاست‌گذاری مورد اهتمام ویژه تصمیم‌سازان قرار گیرند.

شاخص عملکرد لجستیک تجاری کشورها

شاخص عملکرد لجستیک^۲ اعم از ارزش عددی (امتیاز)، رتبه و درصد از بالاترین عملکرد جهانی برای دو سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ در جدول ۷ آورده شده است. کاهش هم‌زمان امتیاز و رتبه شاخص عملکرد لجستیک ایران به‌طور چشمگیر زنگ خطر جدی است که نباید به دیده

1. The Global Competitiveness Report: Global Competitiveness Index

2. Logistics Performance Index (LPI)

شاخص عملکرد لجستیک، عملکرد کشورها را در ۶ زمینه اندازه‌گیری می‌کند که مهم‌ترین ابعاد محیط لجستیک تجاری را نشان می‌دهند. این ۶ مؤلفه یا نامگر عبارت‌اند از: کارآمدی فرایند ترخیص گمرکی، کیفیت زیرساخت‌های تجارت و حمل‌ونقل، سهولت انجام حمل‌ونقل با قیمت رقابتی، ظرفیت و کیفیت خدمات، امکان ردیابی یا ردگیری محموله‌ها و میزان تحویل به موقع محموله‌ها. این مؤلفه‌ها مسائل سنتی (رویه‌های گمرکی و کیفیت زیرساخت‌ها) تا مسائل جدید (ردگیری محموله‌ها، تحویل به موقع محموله‌ها و کیفیت لجستیک داخلی) را شامل می‌شوند. این داده‌ها دست‌اندرکاران، تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران را قادر می‌سازد که عوامل مؤثر عملکرد لجستیک تجاری را در هر یک از کشورها بررسی کنند.

اغماض از آن رد شد و مستلزم توجه و مطالعات جدی‌تری است. بنابر مقیاس‌بندی این شاخص در ۵ درجه (پنجک اول (بالا) شامل کشورهای با بالاترین نمره و پنجک پنجم (پایین) شامل کشورهای با پایین‌ترین نمره) و نیز توزیع نمره‌های این شاخص از نظر محیط لجستیک در ۴ گروه نامطلوب، جزئی، هماهنگ و مطلوب، نتیجه می‌شود که ایران با به‌دست‌آوردن ارزش عددی ۲/۴۹ از ۵ در این شاخص از نظر محیط لجستیک در گروه کشورهای با عملکرد لجستیک جزئی (مثل کشورهای کم‌درآمد و کشورهای با درآمد متوسط با محدودیت‌های مشابه (پنجک‌های چهارم و سوم)) قرار دارد و بیم آن می‌رود که با اندک کاهشی در امتیاز، به گروه کشورهای با عملکرد نامطلوب سقوط کند؛ یعنی کشورهایی که از نظر عملکرد در وضعیت بد قرار دارند (با کمترین درجه توسعه‌یافتگی). البته انتظار می‌رود با روی کارآمدن دولت تدبیر و امید و اجرای برجام و کاهش محدودیت‌ها و برچیده‌شدن تدریجی تحریم‌ها، امکان بهبود زیرساخت‌های تجاری ایران بیشتر شود.

جدول ۷. مقایسه جایگاه عملکرد لجستیک و رقابت‌پذیری جهانی حوزه خزر

مقایسه جایگاه عملکرد لجستیک تجاری کشورهای ساحلی خزر						
کشور	۲۰۱۰		۲۰۱۲		درصد از بالاترین	رتبه شاخص
	امتیاز شاخص	رتبه شاخص	امتیاز شاخص	رتبه شاخص		
ایران	۲/۵۷	۱۰۳	۲/۴۹	۱۱۲	۶۰/۲۹	۲۰۱۲
جمهوری آذربایجان	۲/۶۴	۸۹	۲/۴۸	۱۱۶	۴۷/۴۰	۲۰۱۰
قزاقستان	۲/۸۳	۶۲	۲/۶۹	۸۶	۵۴/۲۰	۲۰۱۲
روسیه	۲/۶۱	۹۴	۲/۵۸	۹۵	۵۰/۷۰	۲۰۱۰
ترکمنستان	۲/۴۹	۱۱۴

مقایسه جایگاه رقابت‌پذیری جهانی کشورهای ساحلی خزر						
کشور	۲۰۱۱-۲۰۱۲		۲۰۱۲-۲۰۱۳		تغییر رتبه شاخص	رقابت‌پذیری
	رتبه شاخص	رقابت‌پذیری	امتیاز شاخص	رتبه شاخص		
روسیه	۶۶	۶۷	۴/۲۰	۷۳/۴۳	۱- کاهش رتبه	۲۰۱۲-۲۰۱۳
جمهوری آذربایجان	۵۵	۴۶	۴/۴۱	۷۷/۱۰	۹+ بهبود چشمگیر رتبه	۲۰۱۱-۲۰۱۲
قزاقستان	۷۲	۵۱	۴/۳۸	۷۶/۵۷	۲۱+ بهبود چشمگیر رتبه	۲۰۱۲-۲۰۱۳
ایران	۶۲	۶۶	۴/۲۲	۷۳/۷۸	۴- کاهش رتبه	۲۰۱۱-۲۰۱۲
ترکمنستان	-	-	-	-	-	-

Source: World Bank, 2012-2015: 8-39, WEF, 2010-2014: vi-ix.

نتیجه

مؤلفه‌ها و پیش‌زمینه‌های منطقه‌گرایی در دنیا از جمله در حوزه خزر متنوع است؛ اما همگی از یک دسته عوامل و شرایط یکسان و یا مشابهی برخوردارند که باید به مؤلفه‌هایی مانند جغرافیا، اندازه اقتصاد، اشتراک‌های فرهنگی و اراده سیاسی توجهی خاص شود. به‌علاوه آثار و پیامدهای اقتصادی در منطقه‌گرایی، به بیشتر انگیزه‌های غیراقتصادی که در شکل‌گیری منطقه‌گرایی تصورپذیر است، شامل ثبات و امنیت منطقه‌ای، انگیزه تثبیت اصلاحات و افزایش قدرت چانه‌زنی باید در ارزیابی پیامدها توجه شود و اهمیت داده شود. مطالعات انجام‌شده در زمینه اثر موافقت‌نامه‌های تجاری بر تجارت در حوزه خزر چندان امیدوارکننده نیست و اثر خالص اقتصادی این گروه‌بندی به ساختار و انتخاب پارامترهای داخلی آن‌ها بستگی دارد. مطالعه عملکرد کشورهای ساحلی خزر نیز نشان می‌دهد که این منطقه چندان در افزایش تجارت منطقه‌ای موفق نبوده است و ضرورت دارد در عمل نیز تدابیری را برای حذف تدریجی موانع و توسعه تجارت درون منطقه‌ای به کار گیرند و شرایط ادغام تدریجی اعضا را با اقتصاد جهانی فراهم کنند و شرایط آزادسازی کامل تجاری را در منطقه فراهم آورند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود بازیگران اصلی حوزه خزر به تدریج به ایجاد ناحیه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی در دوره زمانی منطقی اقدام کنند.

کشورهای ساحلی خزر با وسعت و جمعیت به نسبت درخور توجه از لحاظ گستره جغرافیایی در حوزه خزر پراکنده شده و از لحاظ سطح درآمدی، سطح درآمدی کم و سطح درآمدی بالاتر از متوسط را در خود جای داده است. پس این کشورها از نظر جغرافیایی نزدیک به هم و از نظر سطح درآمدی نیز ناهمگون هستند. انتظار می‌رود این کشورها با تقویت گروه‌بندی منطقه‌ای و حضور فعال در آن و عضویت در سازمان جهانی تجارت، امکان بهره‌گیری از ترجیح‌های و امتیازهای موجود در این عرصه‌ها را برای اقتصاد این کشورها فراهم کنند. کشورهای ساحلی خزر از لحاظ عضویت در سازمان جهانی تجارت سه دسته هستند: کشورهای عضو (روسیه)، ناظر در حال پیوستن (قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ایران) و غیرعضو غیرناظر (ترکمنستان). روسیه، تنها کشور ساحلی خزر عضو سازمان جهانی تجارت در چارچوب قواعد و مقررات این سازمان تبعیض‌هایی را به نفع اعضای این سازمان نسبت به غیراعضا می‌تواند اعمال کند و در چارچوب اصول این سازمان در ارتباط با گروه‌بندی منطقه‌ای باید امکاناتی فراهم شود تا تسهیل‌کننده تجارت بین این کشورها شود. به‌طور طبیعی باید این تسهیلات حتی بیشتر از آن چیزی باشد که بین این کشورها مطرح است. بدین ترتیب همه (به استثنای ترکمنستان) به عضویت کامل یا ناظر سازمان جهانی تجارت درآمده‌اند. به همین دلیل سیاست تجاری بیشتر آن‌ها با نظام تجاری چندجانبه هماهنگ یا اقدام‌های لازم برای تنظیم و تعدیل موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صورت می‌پذیرد. از دیگر

مشخصه‌ها، تفکیک آن‌ها به دو گروه با درجه توسعه‌یافتگی بالا و کمتر توسعه‌یافته است که در به‌کارگیری ترجیح‌های تجاری و تبادل امتیازها باید مدنظر قرار گیرند. به‌علاوه با توجه به اینکه سطح همکاری‌های تجاری حوزه خزر در سطح پایینی قرار دارد و موافقت‌نامه‌های ترجیحی بین آن‌ها کارایی لازم را نداشته است؛ پس ضرورت ایجاد منطقه آزاد تجاری در منطقه خزر به منظور توسعه تجارت درون منطقه‌ای پیشنهاد می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Amir Ahmadian, Bahram and Mir Abdollah Hosseini (2011), "Study of Geo-Economic Position of Shanghai Cooperation Organization on World Economy", **Geopolitics Quarterly (an International Journal)**, Vol. 7, No. 3, pp.101-135 [in Persian].
2. Atai, Farhad (2012), "Iran and the South Caucasus Countries", **Central Eurasia Studies**, Vol. 5, No. 10, pp. 119-136 [in Persian].
3. Bozorgi, Vahid and Mir Abdollah Hosseini (2011), "The Shanghai Cooperation Organization (SCO): Past Developments and the Outlook", **Central Eurasia Studies**, Vol. 4, No. 7, pp. 1-26 [in Persian].
4. Flam, Harry and Elhanan Helpman (1987), "Vertical Product Differentiation and North-South Trade", **American Economic Review**, Vol. 77, No. 5, pp. 810-822.
5. Hosseini, Mir Abdollah (2011), **Augmenting Trade Relations between Iran and SCO (Shanghai Cooperation Organization)**, Tehran: Institute for Trade Studies and Research [in Persian].
6. Hosseini, Mir Abdollah and Vahid Bozorgi (2002), "Iran's Regional Trade Partners and the Feasibility of Establishing an Integration Economic Core", **Iranian Journal of Trade Studies (IJTS) Quarterly**, Vol. 6, No. 23, pp. 1-36 [in Persian].
7. Hosseini, Mir Abdollah and Taghi Houman (2007), "A Study of the International Macroeconomy of ECO Member Countries in the Context of Integration", **Knowledge and Development**, No. 20, pp. 11-42 [in Persian].
8. Hosseini, Mir Abdollah and Others (2007), **The Effects of Preferential Trade Arrangements among ECO Member Countries on Iran's Foreign Trade Promotion**, Tehran: Institute for Trade Studies and Research [in Persian].
9. McCann, Philip (2015), **Modern Urban and Regional Economics**, Translated by Shahram Raeisi Dehkordi, Tehran: Nor-e Elm [in Persian].
10. Rasekhi, Saeed and Mir Abdollah Hosseini (2017), "An Evaluation of Regional Economic Integration of Caspian Sea Region", **Central Eurasia Studies**, Vol. 10, No. 1, pp. 67-83 [in Persian].
11. Sabbagh Kermani, Majid (2013), **Regional Economics (Theory and Models)**, Tehran: Samt [in Persian].
12. Shahabi, Sohrab and Mohammad Hassan Sheikholeslami (2011), "Tools and Capacities of the Economic Cooperation Organization (ECO) for Iran's Development", **Central Eurasia Studies**, Vol. 4, No. 7, pp. 77-102 [in Persian].
13. Sheila, Page (2000), **Regionalism among Developing Countries**, London: Macmillan Press LTD, Overseas Development Institute.
14. **UNCTAD** (1990-2015), "Handbook of International Trade and Development Statistics", New York: UN Publications, Available at: www.UNCTAD.org, (Accessed on: 4/9/2016).

15. **UNDP** (2015), "Human Development Report 2012-2013", Available at: <http://www.un.org>, (Accessed on: 4/9/2016).
16. **United Nations** (2016) (a), "Countries in the World by Population, Database on the latest UN Population Division Estimates", Available at: <http://www.un.org>, (Accessed on: 4/9/2016).
17. **United Nations** (2016) (b), "Development of Economic and Social Affairs, Population Division", Available at: <http://www.un.org/en/development/population/>, (Accessed on: 4/9/2016).
18. **World Economic Forum (WEF)** (2010-2014), "Global Competitiveness Report", Available at: www.wef.org, (Accessed on: 4/9/2016).
19. **World Economic Forum (WEF)** (2015), "Global Enabling Trade Report", Available at: www.wef.org, (Accessed on: 4/9/2016).
20. **World Bank** (2012-2015), "Logistic Performance Index (LPI)", Available at: www.worldbank.org, (Accessed on: 4/9/2016).
21. **World Bank** (2015), "World Development Indicators (WDI) Database", Available at: www.worldbank.org/Data, (Accessed on: 4/9/2016).
22. **WTO** (2000-2015), "World Trade Report", Available at: <http://www.wto.org>, (Accessed on: 4/9/2016).
23. Zahrani, Mostafa, Teimoor Faraji Lohehsara and Saeed Tajari (2016), "Iran-Turkmenistan-Kazakhstan Railway Function to Integration in the Central Asia", **Central Asia and the Caucasus Studies**, Vol. 21, No. 89, pp. 93-123 [in Persian].